



ن. همدانی

سبب شد که حکومت بریتانیا از ایران تقاضا کند که برای تعیین سرحدات بین هندو بلوچستان و خط کشی سرحدی اقدام نماید تا معلوم شود که این تجاوزات از کدام ناحیه صورت میگیرد.

دولت ایران که با این امر موافقتی نداشت درخواست تعیین حدود سرحدی را رد کرد ولی «فردریک گلداسمیت» که بخوبی بزبانهای بلوچ و روحیه مردم آنجا آشنا بود آنها را تحریک کرد و بعضیان واداشت.

پس از کشمکش های فراوان ، بالاخره ناصرالدین شاه موافقت کرد هیأتی بریاست میرزا سعیدخان وزیر خارجه ایران برای رفع اختلافات و تعیین خطوط مرزی بلوچستان برود و با مأمورین انگلیسی وارد مذاکره شود.

در جریان این مذاکرات معلوم شد که انگلستان در مورد قسمتی از بلوچستان ایران ادعای ارضی دارد و آنرا جزء خاک هند میداند. چند بار مذاکرات بمرحله شکست رسید و بالاخره طی یک پیمان ۳ ماده ای دعاوی انگلستان رسمیت

«فردریک گلداسمیت» که از طبع سرکش و ماجراجوئی اهالی و ایلات بلوچستان باخبر بود پس از ورود به بلوچستان بدیدو بازدید سران ایلات پرداخت و هدایای زیادی بین آنها تقسیم کرد. از جمله تحفه های گران قیمتی بدونفر از سران ایلات بلوچستان بنام سرخان میرخان و سردار فقیرمحمد دادو آنها را ارضی کرد که از سیم هائی که از بلوچستان میگذرد حفاظت و نگهداری کنند.

در این میان عده دیگری از رؤسای ایلات که خود را مقبون میدیدند گناه گاهی دست بترکیاتی میزدند و با قطع سیمهای تلگراف برای مأمورین انگلیسی ایجاد مزاحمت میکردند. چندبار هم بتلگرافخانه هائی که در بلوچستان دائر شده بود حمله کردند و عده ای را کشتند و عده ای را اسیر کردند. این اسیران را بعنوان کروگان میبردند و پس از اخذ مبالغی از مأمورین انگلیسی آنها را رهامی ساختند.

این حملات و مزاحمت های مداوم ، که بیشتر از تحریک مأمورین شرکت تلگراف هند و اروپا سرچشمه میگرفت،

کرده و آذوقه بین راه لشکریان خود را از بلوچستان تهیه نموده است. این نشان میدهد که بلوچستان آنروز بسیار آباد تر و پر محصولتر و سکنه آن بیشتر از امروز بوده است.

بلوچستانی که اکنون جزو خاک ایران محسوب میشود قسمتی از بلوچستان بزرگی است که قرنهای پیش متعلق بایران بوده و داستان انتزاع یک قسمت از آن صفحه ای از تاریخ کشور ما را تشکیل می دهد.

در سال ۱۸۶۱ دولت انگلیس برای برقراری ارتباط با هندوستان، که آن زمان مستعمره انگلستان بود ، در صدد برآمد که خط تلگرافی بین هندو اروپا دائر کند و چون سیم تلگراف میبایست از بلوچستان عبور کند از دولت ایران تقاضای امتیاز نصب تیر تلگراف و ایجاد تلگرافخانه هائی در خاک ایران نمود. دولت ایران ابتدا باین پیشنهاد روی موافقی نشان نداد ولی در نتیجه اصرار فراوان وزیر مختار انگلیس با عبور سیم تلگراف از بلوچستان موافقت شد و دولت بریتانیا یکی از مأمورین زیر دست خود بنام «فردریک گلداسمیت» را ببلوچستان فرستاد.

بعد از فرسخها شنزار نرم و دشت آب و علف دور نمای دیوارهای کلی و پشت بامهای گنبدی شکل دیده می شود که تک تک درختهایی بین آنها چون نگین زمر در در انکشتی کلین خود نمائی میکند.

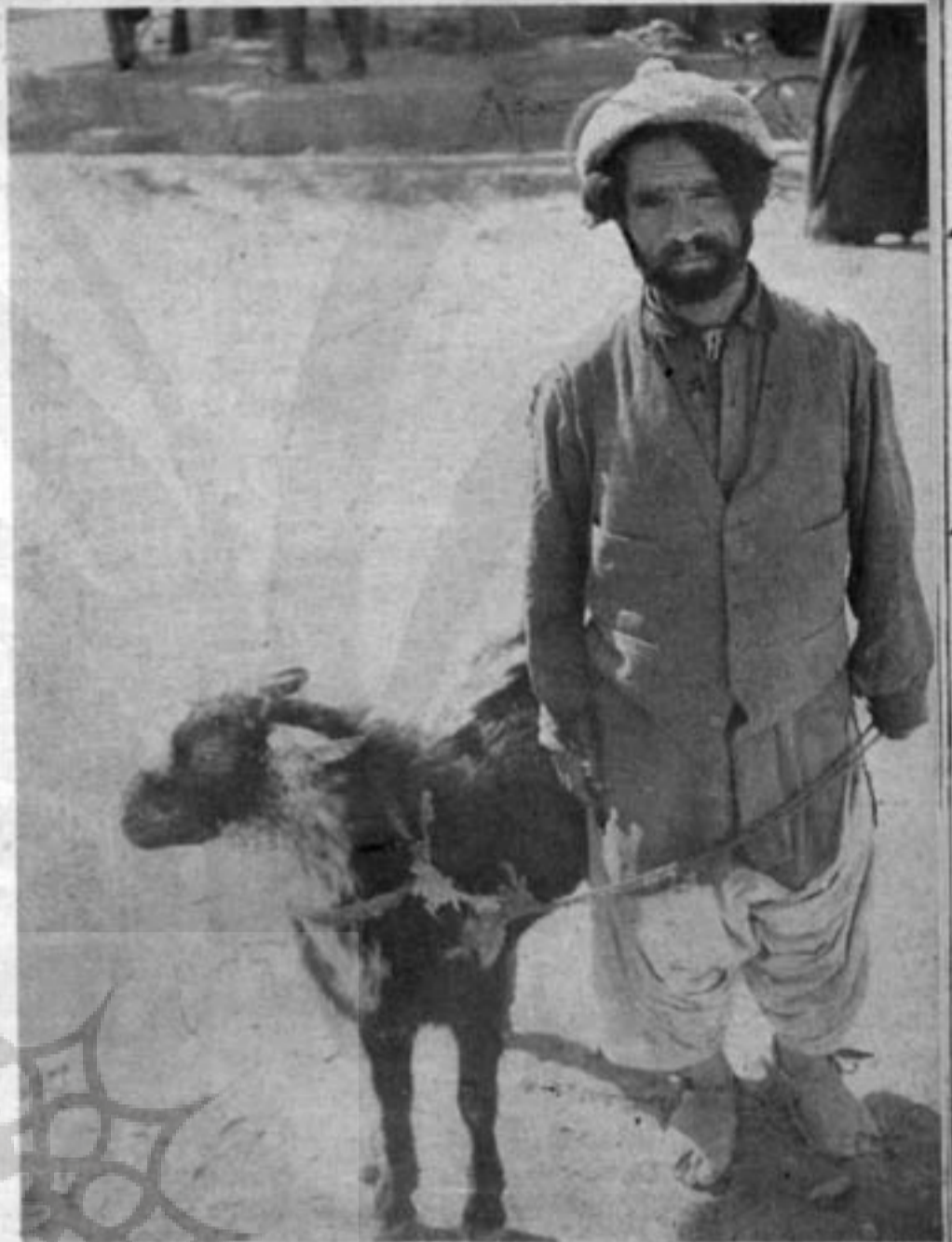
اینجا اهدان مرکز استان بلوچستان است.

بلوچستان در جنوب شرقی ایران واقع شده و منطقه وسیعی است که قسمت شمالی آنرا شنزارها و بیابانهای خشک و خالی و قسمت مرکزی را کوه های بلند فرا گرفته است.

هوای بلوچستان در اکثر نقاط بسیار گرم است و در قسمتی که شامل جلگه خاش و بخش سراوان میباشد، نسبتاً معتدل است. دارای کوه های آتشفشانی است که از دهانه بعضی از آنها مانند تفتان هنوز هم گازهای سوزان و دود خارج میشود.

سابقه تاریخی

بلوچستان در قرون گذشته بسیار آباد و حاصلخیز بوده است. طبق روایت تاریخی، داریوش کبیر برای فتح سرزمین پنجاب و سند از راه بلوچستان لشکر کشی



کائوچوگ بخوبی بشمر میرسد و در حدود سرباز، بخصوص در قصر قند، درخت انبه نیز وجود دارد که طول آن باندازه درختان بزرگ چنار میباشد.

ایران شهر مرکز بلوچستان مرکزی است و برخلاف زاهدان و نقاط شمالی این استان، پسر آب و درخت است.

در بهار یک نوع زنبق سرخ بسیار زیبایی در آنجا میروید. این زنبقها خود رو و وحشی هستند و قد آنها گاهی تا یکمتر نیز میرسد.

در اسپکه نخایلات پر باری وجود دارد.

سرباز و قراء اطراف آن که از رودخانه سرباز سیراب میشوند نقاط حاصلخیزی هستند.

چاه بهار که در اصل گویا «چهار بهار» بوده بندریست که از حیث آب و هوا از تمام بنادر جنوب ایران سالمتر و معتدل تر است و در فصل تابستان نیز میزان حرارت در آنجا از ۳۰ تا ۴۰ درجه تجاوز نمیکند در صورتیکه در ایران شهر، که در حدود هفتاد فرسنگی شمال آن قرار دارد، درجه حرارت در تابستان تا ۷۰ درجه نیز میرسد.

میکردد و احتمال جان سالم بدر بردن برای مسافرین آن بسیار کم است.

بین زاهدان تا خاش سراسر راه دشت شنی وسیعی است که مین بوته ای نیز در آن بچشم نمیخورد ولی از خاش بیعددیگر اثری از شنزار نیست و کوه های مرتفع با تخته سنگهای قرمز و سیاه، کداهای تذك با جاده های پر پیچ و خم مسافر را دچار سرگیجه و وحشت میسازد.

نقاط حاصلخیز

جلگه خاش و حومه ایران شهر ناحیه حاصلخیز بلوچستان را تشکیل میدهد.

در این نواحی انواع درختهای گرمسیری و مخصوصا نخل فراوان است و اصولا غذای بلوچهار بیشتر خرماتامین میکند.

در بهپور که از رودخانه معروف بهپور سیراب میشود غلات و گندم و پنبه نیز بدست می آید و اکنون بهپور (فنج) یک مرکز کشاورزی محسوب میشود.

در مناطق گرمسیری بلوچستان بویژه در دشت باری (جنوب ایران شهر) درختان گرمسیری از قبیل نارگیل، تمبر هندی، موز، بادام هندی و درختان

خشت زنی یکی از کارهای متداول است که بیشتر زنیهای بلوچ بان اشتغال دارند و در کوچهای کنار شهر ردیف های مرتب گلپای قالب شده همه جا بچشم میخورد.

اگر در خیابانهای زاهدان راه بروید و سیکار بدست داشته باشید، دو سه بیچه قد و نیم قد بدنبال خود خواهید دید که در درجه اول از شما مطالبه پول خواهند کرد و بعد آنقدر پشت سر شما میدوند تا شما سیکار خود را بینه آید و آنها بقیانند.

زاهدان بوسیله یک رشته راه آهن بپاکستان وصل میشود و بازار خوبی برای کالاهای پاکستانی بشمار میرود. زاهدان و چاه بهار دو مرکز بزرگ قاچاقچیان پاکستانی و هندی است. شهرهای دیگر بلوچستان عبارت است از: ایران شهر، چاه بهار و سراوان.

بین زاهدان و ایران شهر خاش قرار دارد. جاده بین این دو شهر از میان شنزار وسیعی میگذرد که وزش بادهای کویری اغلب باعث گمشدن راه و سرگردانی مسافرین میگردد و مخصوصا گردبادها و وجود شتهای گردان خطر بزرگی بشمار میرود.

ماشینی که در موقع طوفانی در این جاده گیر کند در زیر کوهی از شن دفن

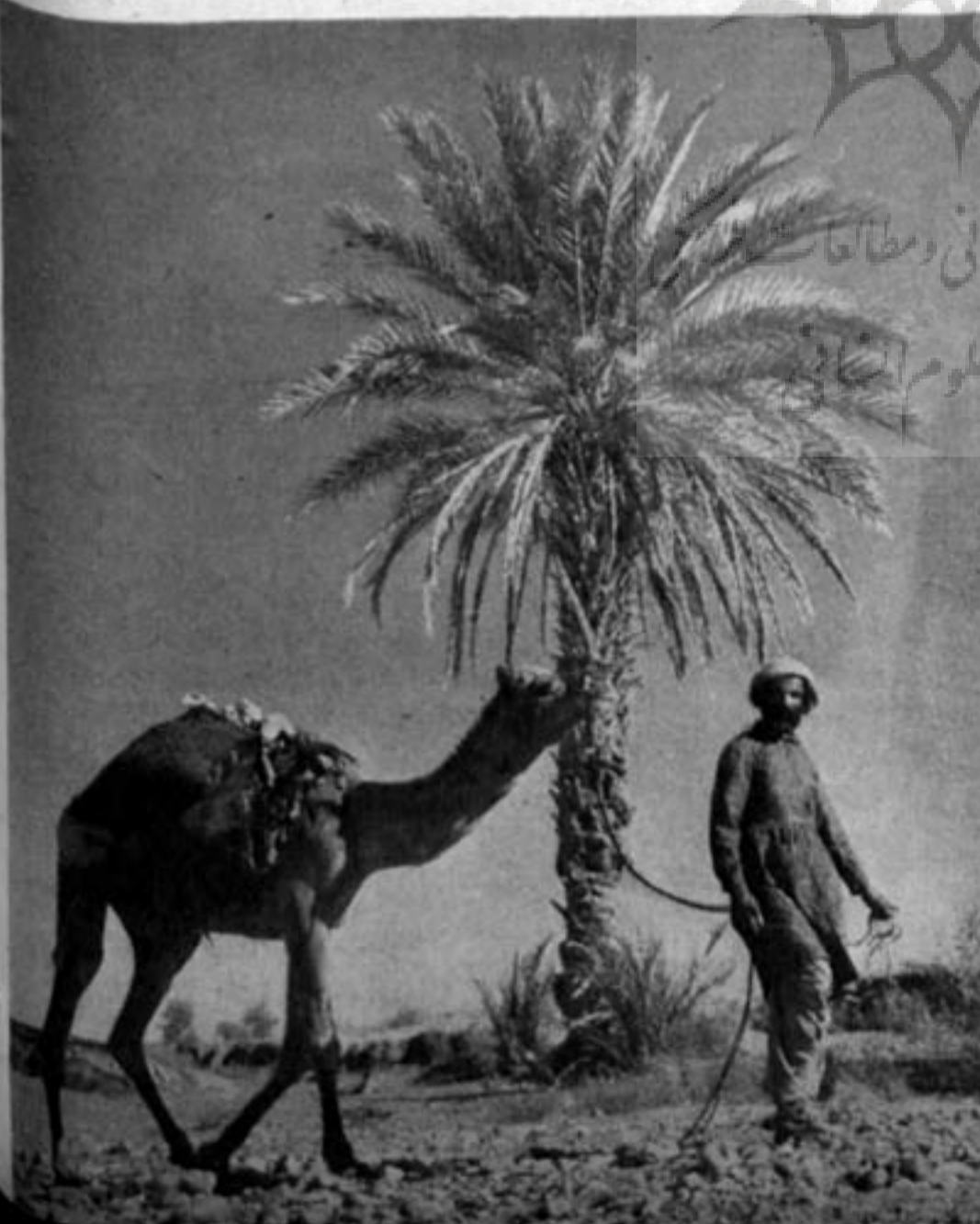
یافت و مقرر شد حکومت انگلستان سالانه سه هزار تومان بابت حق الحفاظه سیمهای تلگراف بایران بپردازد. «فردریک گلداسمیت» بواسطه حسن خدمتی که در جریان این مذاکرات نشان داده بود بدریافت لقب «سر» نائل گردید.

شن های گردان

بلوچستان نسبت بوسعت خاک آن که در حدود سیصد و چهارده هزار کیلو متر مربع است، بسیار کم سکنه میباشد و در هر کیلومتر مربع آن در حدود ۲ تا ۳ نفر زندگی میکنند.

مرکز آن، زاهدان، شهر است با خیابان و کوچه های وسیع که جز در خیابان استانداری، در سایر کوچه ها درخت و سبزه ای بچشم نمیخورد. خانه های آن اغلب خشتی است و پشت بامهای کنبدی شکل دارد.

مردم آنرا سه دسته کاملاً مشخصی تشکیل میدهند: طبقه بازاری و اداری آن اغلب خراسانی و کرمانی هستند، عده زیادی پاکستانی و سیک نیز در آنجا زندگی میکنند و خود بلوچها باقیایه های سوخته و سیاه، موهای وز کرده که از اطراف شلمه های کثیف و نامرتبشان بیرون ریخته و پیراهنهای بلند و شلوارهای عربی بدستفروشی و کارهای پست مشغولند و فقر و بدبختی از سرور و ایشان میبارد.



طرز زندگی بلوچها

در ایرانشهر و اکثر نقاط بلوچستان، بلوچها در آلونکهاییکه از حصیر و برگ خرماونی ساخته اند زندگی میکنند. این آلونکها بشکل گنبدهائی روی زمین ساخته میشود.

اسکلت آن از نی است و رویش با حصیری که از برگ نخل تر میبافند پوشانده میشود. سوراخی بجای در به داخل آن باز میشود که برای گذشتن از آن باید تا کمر خم شد.

زمین آنرا با حصیر، و آنهائی که وضع بهتری دارند با زیلوپاره، میپوشانند.

عده زیادی از بلوچها هنوز بسورت کوچ نشینی زندگی میکنند و در دشتها و دره های بلوچستان سرگردانند.

زن های بلوچ اغلب یکی دو پیراهن بلند از پارچه نازک سیاه رنگ بتن میکنند و سرشان را بالچک سیاهی میپوشانند.

کوشواره هائی از فیروزه، بنوک دماغشان می آویزند و اکثراً پاره های راه میروند.

کفش بلوچها از یک تخت لیف خرما تشکیل میشود که با بندهائی از همان نوع پیاشان میبندند.

مردان بلوچ شلعه ای بسردارند و پیراهن سفید و چرکین بلندی بتن و شلواری لفته دار کشادی پیامیکنند.

تعدد زوجات در بین مردان بلوچ بسیار رایج است و در بین ایلات آنجا هنوز هم خرید و فروش غلام و کنیز منسوخ نشده است.

بلوچها مردمانی شجاع و خشن هستند. بواسطه شرایط خاص محیط خود بسیار بدوام و متحمل و قانعند و با چند خرما میتوانند صبحی را بشام برسانند و بهمین علت هرگز کسر دزدی نمی کردند.

بلوچها بسرزمین آباء و اجدادی خود بسیار علاقمندند و از زادگاه خود خارج نمیشوند، بهمین دلیل است که در شهرهای دیگر ایران کمتر سراغی میتوان از آنها بدست آورد و حتی در تهران نیز بلوچ وجود ندارد، اگر هم داشته باشد بسیار نادر است.

زبان آنها بلوچی (زبانی شبیه کردی و گیلکی وارد) است و بدین اسلام و مذهب سنی (حنفی و شافعی) پایا بندند.

بلوچها هیکلی بلند و جثه ای درشت و قیافه ای خشن و مردانه دارند و بیشتر از راه کله داری و نخل پروری زندگی می کنند غذایشان بیشتر خرماست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال هجری مع علوم انسانی

یک دختر بلوچ

کارگر نشد بیگناه است! گاهی نیز این حسن نیت و صدق و صفای باطنی بلوچها بالای جان آنها شده است.

چنانچه در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه مردی بنام پیرباها در بلوچستان ادعای ارشاد کرد و عده ای را بدور خود جمع نمود و بنای باغیگری گذاشت چون حاکم بلوچستان از عهده او بر نیامد ناصرالدین شاه یکی از حکام مرکزی را مامور سرکوب او نمود و این واقعه

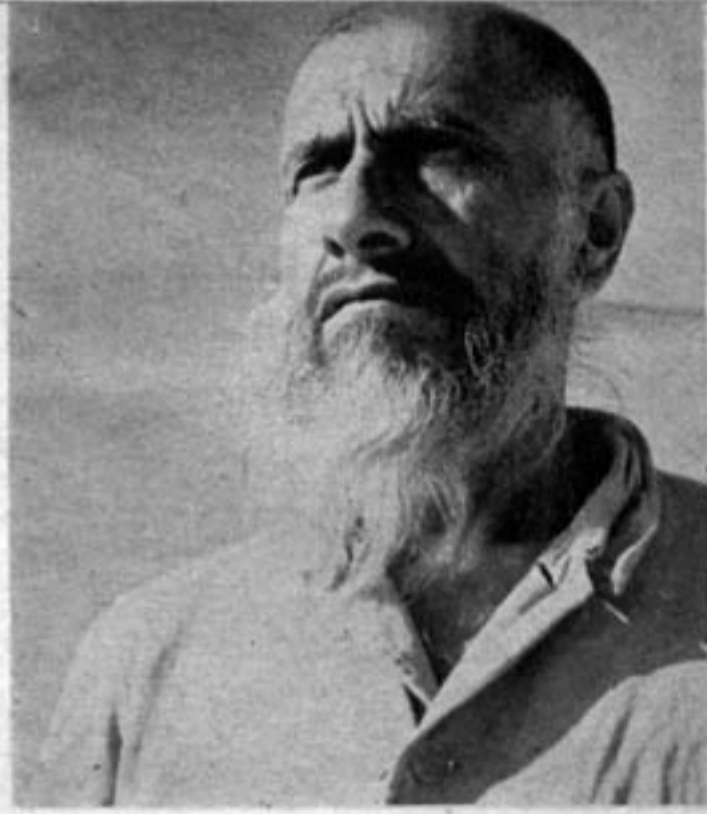
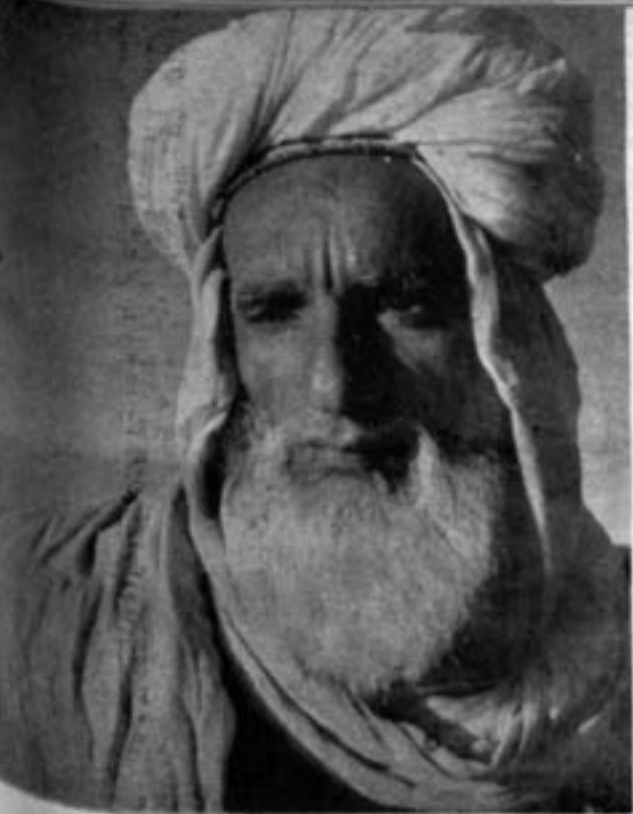
گذشته را با اسالت کامل حفظ کرده و آنرا اجرا میکنند.

مثلاً هنوز در بلوچستان چشمه هائی وجود دارد که مردم معتقدند بوسیله آنها میتوان کناهکار و بیگناه را از هم تشخیص داد و یا هنوز در برخی از ایلات بلوچ برسم باستان با شعله های آتش کناهکاری و بیگناهی متهمی را معلوم میکنند باین ترتیب که متهم باید دست خود را در آتش فرو ببرد، اگر دستش سوخت مجرم و اگر آتش بر او

در شهر زاهدان، دسته مطربهار میتوان در کوچه ها و قهوه خانه ها دید. ساز آنها از قیچک، ساشا (یک نوع ساز محلی شبیه تار با کردن بسیار بلند) و طبل تشکیل میگردد و آهنگهایشان شبیه آهنگهای کردی است و تمنیفهای دل انگیزی میخوانند.

عادات و رسوم

مردم بلوچستان برسوم و عادات قدیم خود بطرز عجیبی پای بند هستند و هنوز بعضی از رسوم و عادات فسون



چند چهره از مردان بلوچ

دردشت جیرفت نیز که اهالی آن بلوچ میباشند يك مزرعه نمونه احداث گردیده است.

درخاش، هیأت معدن شناسان مؤسسه ایستال کنسولت در موقع مطالعات خود موفق بکشف ذخیره کرم قابل توجهی شدند. ر که کرم مزبور در سطح مرئی بوده و دارای طول تقریبی ۴۰ تا ۵۰ متر و عرض ۶ تا ۸ متر است در حدود ۸۰۰ تن سنگ کرم از آنجا استخراج شده و در محل معدن موجود است و برای اقدامات بعدی مشغول مطالعه هستند.

شیوع بیماریهای گوناگون وعدم بهداشت عمومی است اقدام بتشکیل دسته های سیار و مجهز بهداشتی گردیده که در نقاط مختلف این استان بوضع بهداشت اهالی رسیدگی میکنند و در تأمین سلامت آنان میکوشند.

در خرداد ماه ۳۸ يك مرکز کشاورزی در بمپور احداث شد و دو مزرعه نمونه نیز در توردان و میرآباد ایجاد گردید. در دوازده ده مجاور نیز عملیات ترویجی انجام گرفته و نتایج مطلوبی داده است.

در توردان و میرآباد بحفر چاههای آب آشامیدنی نیز اقدام شده است.

میشود و چون مهاجمین از بالای کوه به اتومبیل مسلط بودند هر سه نفر مرد سرنشین اتومبیل را بقتل میرسانند و سپس آنیتا زن کارول را با خود میبرند در حدود یک فرسخ که طی میشود معلوم نیست بچه دلیل آن زن را هم میکشند و فرار میکنند.

این فاجعه با اهدیت خاصی تلقی شد و کوششهای فراوانی برای دستیگری دادش و یارانش بعمل آمد.

در بین کسانی از یاران دادش که دستگیر شدند مردی بود بنام «واجبی» که برخلاف بلوچهای کیکل کوچکی داشت. این مرد با ۳ کیلو وزن و ۱۵۰ سانتیمتر قد و وزانه ۱۸ فرسخ راه رامیدوید و در حین دویدن از لیف خرما برای خود کفش درست میکرد.

فعالتهای آبادانی

از سال ۱۳۳۷ بعد اقدامات جدی و قابل توجهی برای تجدید حیات این استان زرخیز، که سرشار از معدن فلزات و نفت و استعداد کشاورزی است، شروع شده است و میتوان امیدوار بود که در آینده نزدیکی این استان از فقر و ویرانی نجات یابد.

در مرحله اول برای شناختن وضع آب و هوای این استان و قابلیت کشاورزی نقاط مختلف آن، اقدام بتاسیس ۹۳ ایستگاه هواشناسی و آبشناسی گردید و اکنون يك ایستگاه مرکزی هواشناسی در خاش و چندین ایستگاه درجه ۱ و ۲ و ۳ در نقاط مختلف بلوچستان ایجاد شده است.

برای تأمین آب آشامیدنی دهات و شهرها اقداماتی در شرف انجام است و چون بازدیدهای فنی و مطالعاتی که بعمل آمد نشان داد که یکی از عوامل بزرگ فقر اقتصادی مردم بلوچستان

بجهای جان عده ای بلوچ خاتمه پذیرفت.

فاجعه تنک سرچه

اکنون وقتی صحبت از بلوچستان پیش می آید خواه ناخواه خاطرء جنایتی که در فروردین ماه ۱۳۳۶ در تنک سرچه انجام گرفت تجدید میشود.

روز چهارم فروردین ۱۳۳۶ کارول رئیس اصل چهار کرمان و آنیتا کارول زن او و ویلسن و راننده اش که از ایران شهر بجاء بهار میرفتند در تنک سرچه بدست دادش و یارانش بقتل رسیدند و این ماجرا سرو صدای زیادی در مطبوعات براء انداخت و مامورین آرتش و ژاندارمری بیش از یکسال این یاغی عجیب را تعقیب کردند و بالاخره او را کشتند.

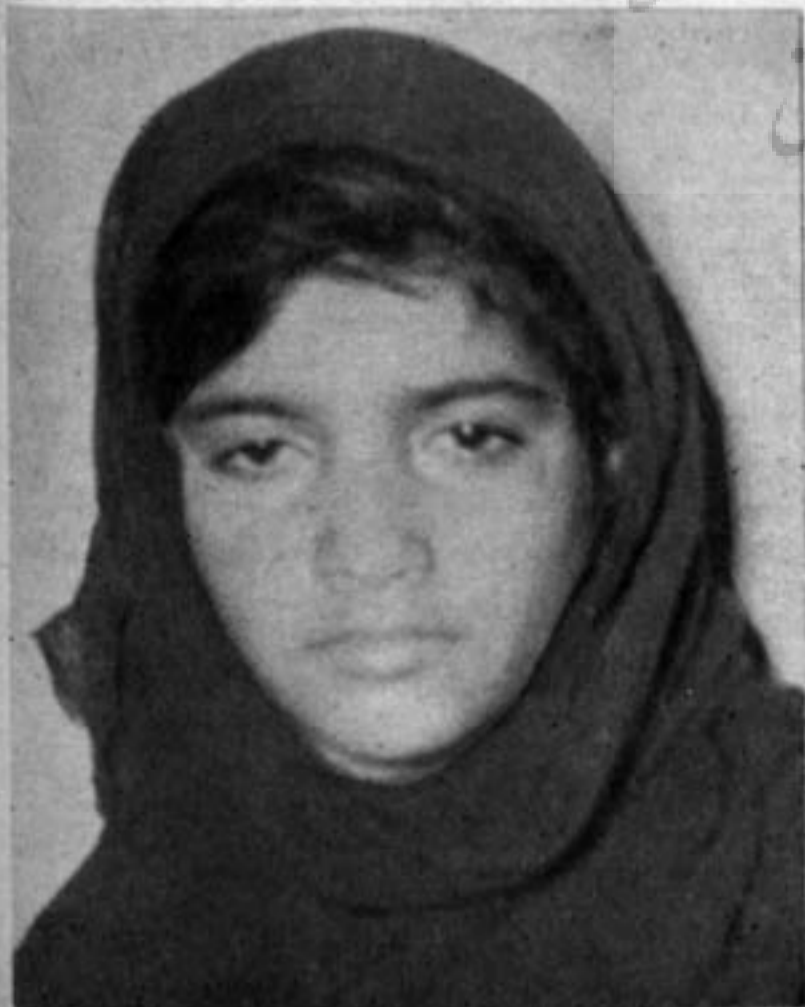
تنک سرچه گدار عمیقی است که بین کوههای سنگی مرتفع واقع شده و حد فاصل کوههای سفید و کوههای لاشار است. رشته ای از رود بمپور نیز از آن میکزرد.

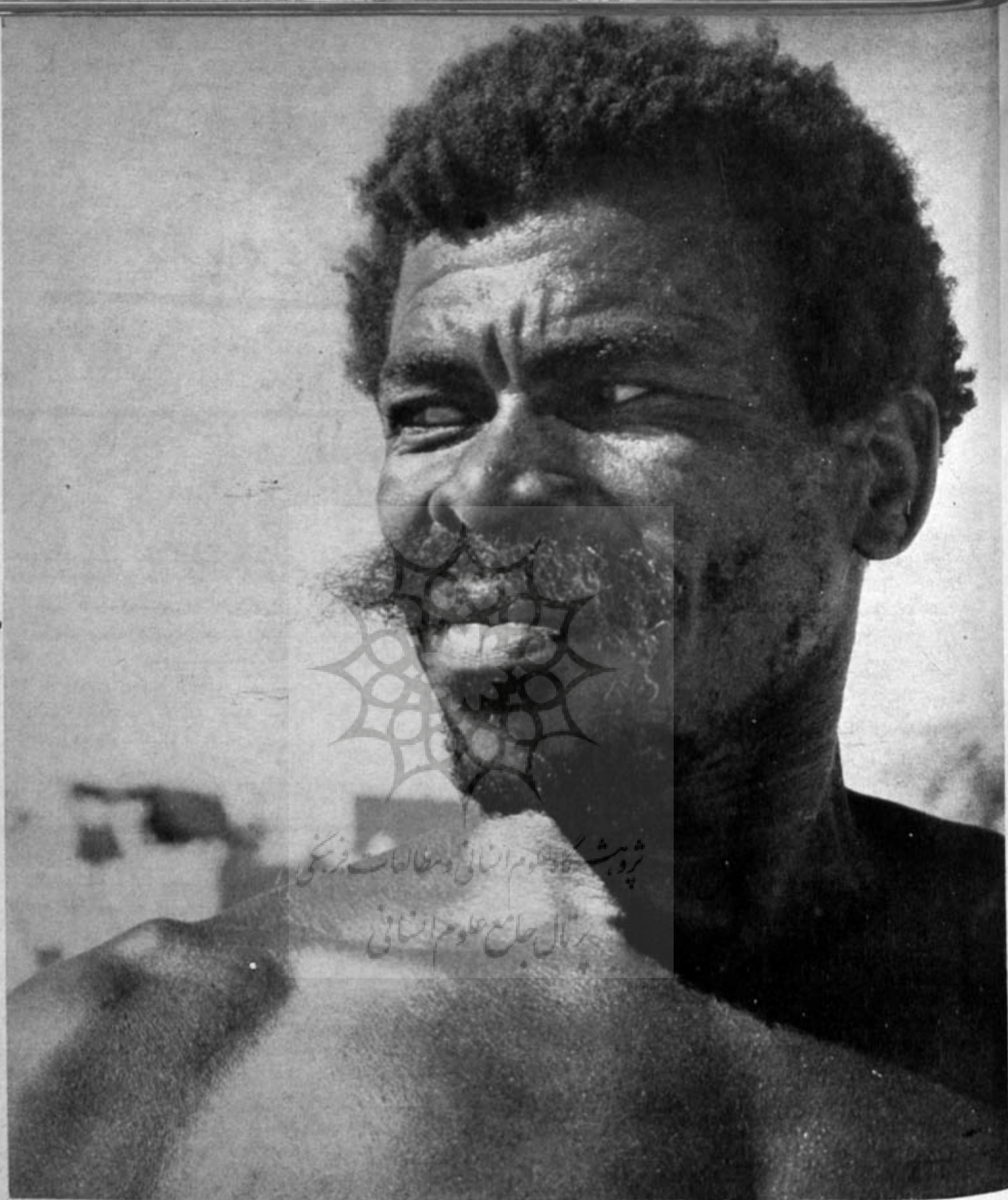
جاده ایران شهر بجاء بهار از این تنک میکزرد.

دادش که از زیردستان علی شیرانی بوده و بعد از او جدا شده و دسته ای برای خود تشکیل داده بود از ۱۳۲۶ شروع بیایگیری کرد و از آن موقع همیشه تحت تعقیب ژاندارمها بود.

در روز واقعه ظاهر آد ادشاه در گریز از قلمرو ژاندارمها با زن و فرزندان خود میخواست از تنک سرچه بگذرد و در همین حیص و بیص با ماشینهای کارول و ویلسن روبرو میشود از آنجا که یکی از سرنشینان اتومبیل (ویلسن) او نیفورم نظامی برتن داشته است دادش و یارانش چنین میپندارند که آنها نیز جزو مامورین هستند. تیراندازی آغاز

نارک، زن دادش





پیشرفت و علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اسکله بندر چاه بهار در این بندر سید خود را بنقاط دیگر ببرند. برای رفع این مشکل، طرح زندگی اکثر مردم از ماهیگیری تامین میشود ولی بعلت نبودن اسکله قایقهای ماهیگیری پیش از پنج شش تن ناچارند و اکنون عملیات مقدماتی در حال

پیشرفت است و بزودی این ساختمان عظیم شروع خواهد شد. ساختمان این اسکله کمک بزرگی پیشرفت و وضعیت زندگی مردم چاه بهار خواهد کرد.

